

کوچینگ در کاردرمانی

مفهوم کوچینگ

کوچینگ به عنوان یک روش پذیرفته شده در نظارت بر آموزش دهندگان در دهه ۱۹۸۰ ظهور کرد. معنای لغت نامه ای آن از نام روستایی در شمال غربی مجارستان به نام کاکس (روستایی که به واسطه خلاقیت و نوآوری و اختراعات خود در آن زمان توانست مشهور شود و دنیایش را تغییر دهد) منشا گرفته است. از زمان ظهور کوچینگ، در زمینه های دوران کودکی و همچنین در آموزش مدرسه و به طور گسترده در برنامه های آماده سازی پیش از خدمت برای آموزش دهندگان گوناگون و در علوم پزشکی نیز استفاده شده است. در این زمینه ها، کوچینگ فرآیندی مبتنی بر رابطه است که برای بهبود مهارت های موجود، توسعه مهارت های جدید و ایجاد شایستگی و اعتماد فردی استفاده می شود. کوچینگ می تواند برای دستیابی به نتایج دلخواه در زمینه های گوناگون استفاده شود. فدراسیون بین المللی کوچینگ (ICF)^۱ یک سازمان حرفه ای است که برای ایجاد و حفظ استانداردهای مربیان در همه انواع کوچینگ و برای پیشبرد کوچینگ تشکیل شده است. به نقل از این مفهوم کوچینگ از نظر ICF به این صورت تعریف می باشد: "یک رابطه مستمر که کوچ کننده در آن در جهت تحقق چشم انداز، اهداف یا خواسته های خود اقدام می کنند. کوچینگ از فرآیند پرسش و کشف شخصی^۲ برای ایجاد سطوحی از آگاهی و مسئولیت در کوچ شونده استفاده می کند و برای وی ساختار، پشتیبانی و بازخورد فراهم می کند." باید گفت که کوچینگ به طور کلی برای

1 Internatioanl Caoching Federation (ICF)

2 Personal Discovery

شناسایی و بهبود دانش و مهارت‌های موجود، توسعه مهارت‌های جدید و ارتقای خودارزیابی مستمر فرد کوچ‌شونده استفاده می‌شود.

کوچینگ در کاردرمانی

در کاردرمانی استفاده از کوچینگ از سال ۲۰۰۷ بیش‌تر نمود پیدا کرد. در این سال تونسند^۱ و همکاران چارچوبی ارائه دادند که در آن از کوچینگ به‌عنوان یکی از ده مهارت تسهیل‌کننده برای فعالیت‌های بالینی کاردرمانی نام برده شده بود. در این چارچوب^۲ تسهیل آکوپیشن به‌عنوان وظیفه اصلی کاردرمانگر شمرده می‌شود و کوچینگ یکی از ابزارهایی است که می‌توان از آن برای این مقصود استفاده نمود. کوچینگ در این چارچوب به‌صورت زیر تعریف شده است: "یک رویکرد دارایی محور^۳ که می‌تواند منجر به تغییرات پایا در آکوپیشن شود. تأکید بر این است که افراد کوچ شوند تا اولویت‌ها و اهدافشان را بیان کنند. این اولویت‌ها باید برای فرد معنادار باشند. کوچینگ شامل تعیین همکارانه چالش‌ها، مشخص کردن اهداف و حرکت به سوی این هدف‌ها می‌شود. فرد کوچ‌کننده می‌تواند برای حمایت از فرد کوچ‌شونده و بهبود عملکرد آکوپیشنال وی بازخوردهایی از عملکردش را به او ارائه دهد".

به نظر می‌رسد که این تعریف با تعریفی که ICF از کوچینگ می‌کند همپوشانی‌های قابل توجهی داشته باشد. ولی برخلاف تعریفی که ICF ارائه می‌دهد، کوچینگ در کاردرمانی بیش‌تر به‌صورت تلاش برای کار کردن با مراجع و هدایت وی به سمت تغییراتی در عملکرد آکوپیشنال خود را نشان می‌دهد. در این پژوهش تعریف توانست بیشتر مورد توجه قرار گرفت (۱۰).

1 Tusend

2 Framework

3 Asset Based

انواع کوپینگ در کاردرمانی

در متون کاردرمانی از مداخله کوپینگ به صورت‌های گوناگونی استفاده شده است. کوپینگ برای بهبود و تسهیل عملکرد کودکان و بزرگسالان با اختلالات گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است. در ادامه برخی از انواع کوپینگ، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱- مداخلات بر پایه بافتار^۱

مداخله بر پایه بافتار برای این طراحی شده است تا مشارکت در فعالیت‌ها و روتین‌های کودکان با اختلالات طیف اتیسم را بهبود بخشد. این نوع مداخله شامل سه قسمت مشخص کردن فعالیت، روتین‌های خانواده و پردازش حسی می‌شود. در این روش اصول پردازش حسی با روتین‌های خانواده مرتبط می‌شود بنابراین والدین یاد می‌گیرند چگونه پردازش‌های حسی کودکان می‌توانند در مشارکت آن‌ها تأثیرگذار باشد. در این مداخله کوپینگ، از اصول توصیف‌شده توسط روس و شلدون که درمانگران را به سمت استفاده از سؤالات انعکاسی^۲ برای ایجاد آگاهی سوق می‌دهد استفاده می‌شود. نویسندگان پیش‌زمینه‌های تئوریکال این مداخله را به صورت یک مداخله خانواده محور توصیف می‌کنند (۱۱).

۲- مدل شروع زودهنگام دنور (ESDM)^۳

مدل ESDM یک برنامه آموزشی فردی والدین-کودک برای کودکان با اختلال ASD^۴ است که هدف آن ارتقای مهارت‌های ارتباطی، زبانی و بازی است. والدین کوچ می‌شوند تا برای اجرای تکنیک‌های درمانی شیوه‌های دو رویکرد: (الف) مدل دنور و (ب) آموزش پاسخ محوری (PRT)^۵ را در یکدیگر ادغام کنند. با استفاده از مدل دنور، درمانگران بر ایجاد یک محیط اجتماعی گرم و غنی برای تقویت روابط مثبت بین کودکان و بزرگسالان و درعین حال تشویق یادگیری کودکان

1 Contextual Intervention

2 Reflective

3 Early Start Denver Model (ESDM)

4 Autism Spectrum Disorder (ASD)

5 Pivotal Response Treatment

تمرکز می‌کنند. PRT بر اساس اصول تحلیل رفتار کاربردی است و متغیرهای انگیزشی خاصی را با رویکرد آموزشی سیستماتیک برای افزایش مهارت‌های ارتباطی، زبانی و بازی در شرایط طبیعی ترکیب می‌کند. والدین و کودک در طول فعالیت‌های متعدد در هر جلسه آموزش می‌بینند و از آن‌ها خواسته می‌شود در طول فعالیت‌ها و روتین‌های معمول در خانه تمرین کنند. تلاش می‌شود تا با استفاده از این تمرین‌ها مهارت‌های فراگیری شده تعمیم داده شوند (۱۲).

۳- والدگری برای تغییر (P4C)^۱

والدگری برای تغییر (P4C)، یک مدل ارائه خدمات درمانی در مدرسه برای کودکان با اختلال هماهنگی رشدی است. در این مدل، کوچینگ با کمک معلمان و والدین انجام می‌شود و شامل تصدیق دانش و مهارت‌های موجود و ارتقا و توسعه مهارت‌های جدید از طریق تعاملاتی است. این رویکرد از کوچینگ بر مشارکت و خودشناسی تأکید دارد. برای افزایش مشارکت کودکان در فعالیت‌های عملکردی از طریق انطباق با محیط فیزیکی و اجتماعی از رویکرد مرحله‌به‌مرحله استفاده می‌شود. این رویکرد شامل بررسی ساختار کلاس درسی، تجزیه و تحلیل عملکرد پویا و نظارت بر پاسخ به مداخله است. راهبردهای موفقیت‌آمیز با والدین به اشتراک گذاشته شده و آن‌ها تشویق می‌شوند تا این استراتژی‌ها را در خانه به کار گیرند. P4C بر اساس نظریه یادگیری بزرگسالان و مفاهیم ترجمه دانش شکل گرفته است (۱۳).

۴- کوچینگ درمانی (RC)^۲

ویرهانانان^۳ در سال ۲۰۰۷ کوچینگ درمانی (RC) را برای رسیدگی به مشکلات یادگیری کودکان پیشنهاد می‌کند. اجزای RC شامل آموزش مفاهیم اولیه زبان، استفاده از تمرینات آوایی، تمرین نوشتن مکرر و تصحیح وضعیت در حین نگه داشتن قلم و سایر فعالیت‌های کاربردی است.

1 Partnering for Change

2 Remedial Coaching (RC)

3 Virudhagirinathan

نویسنده اشاره‌ای به مبانی نظری RC نمی‌کند و تحقیقات علمی در این خصوص گزارش نشده است (۱۴).

۵- کوچینگ برای غذا دادن دهانی^۱

در یک گزارش موردی، دروبنیک و روکو^۲ (۲۰۱۱) استفاده از کوچینگ را در طول مداخله برای بهبود تغذیه برای کودک مبتلا به اختلال غذا خوردن توصیف می‌کنند. در این مطالعه مادر را برای توسعه برنامه مداخله‌ای خود و ارائه توصیه‌های خاص در مورد تکنیک‌های تغذیه آموزش و راهنمایی می‌کنند. در این رویکرد از کوچینگ به عنوان یک رویکرد درمانی مفید برای توانمندسازی والدین نام برده می‌شود. مبانی نظری برای این مداخله ارائه نشده است. در این گزارش موردی، نویسندگان نتیجه بالینی را توصیف کرده اما از ابزارهای اندازه‌گیری رسمی استفاده نکردند (۱۵).

۶- مداخله کوچینگ زود هنگام^۳

فریدمن، وودز و سالزبری^۴ (۲۰۱۲) استراتژی‌های کوچینگ را که توسط درمانگران برای ایجاد توانمندی در مراقبین برای ارتقای رشد کودکان در طول روتین‌ها و فعالیت‌های روزمره در برنامه‌های مداخله زود هنگام مبتنی بر خانه استفاده می‌شود، ارائه داده‌اند. این راهبردهای کوچینگ شامل به اشتراک‌گذاری اطلاعات، یادگیری و تمرین راهبردها و حل مسئله با هدایت اولویت‌های مشخص شده توسط مراقب است. راهبردهای کوچینگ توصیف شده در چارچوب نظری، شامل تئوری‌های یادگیری بزرگسالان و تمرینات خانواده محور بود. هدف از این مطالعه تعریف و توصیف راهبردهای کوچینگ ذکر شده است (۱۶).

1 Coaching for Oral Feeding

2 Drobnik & Rocco

3 Early Intervention Provider Coaching

4 Friedman, Woods and Salisbury

۷- کوچینگ برای درمان حرکتی ناشی از محدودیت (CIMT)^۱

بویلشتاین، ریتمن^۲ و همکاران (۲۰۰۵) کوچینگ را به عنوان یکی از ابزارهای مداخله مورد استفاده درمانگران در طول درمان حرکتی ناشی از محدودیت (CIMT) با بزرگسالان مبتلا به همی‌پلژی نام بردند. نویسندگان کوچینگ را به عنوان الگویی از آموزش یا آموزش توسط درمانگر تعریف کردند که در آن درمانگر مراجع را در مورد چگونگی انجام یک فعالیت، از جمله بحث در مورد استراتژی‌هایی برای افزایش استفاده از تکنیک‌های مناسب حرکتی، راهنمایی می‌کند. مبانی نظری برای این نوع کوچینگ مشخص نشده است. کوچینگ در این پژوهش به دنبال یک تحقیق کیفی شناسایی شد، اما اثربخشی آن ارزیابی نشد (۱۷).

۸- بازطراحی آکوپیشن‌های روزمره^۳

بازطراحی آکوپیشن‌های روزمره یک مداخله گروهی برای خانم‌هایی است که دچار استرس هستند. این مداخله از رویکردی آموزشی بهره می‌برد و تلاش می‌کند دانش فرد را در مورد تغییرات زندگی افزایش دهد. از این دانش کسب‌شده برای ایجاد یک الگوی روزانه فعالیت استفاده می‌شود. جلسات گروهی در اوایل کار بر روی مشخص کردن مشکلات، تعیین اهداف و ایجاد استراتژی‌هایی برای تغییر روتین‌های روزمره زندگی تمرکز دارد. کوچینگ در این مداخله شامل ایجاد حمایت در حین هدایت مشارکت‌کنندگان برای ارزیابی اولویت‌ها و ایجاد روتین‌های جدید می‌شود. استراتژی‌های یادگیری شده برای ورود دوباره به یک موقعیت شغلی استفاده می‌شوند. این مداخله ریشه‌های تئوری خود را از مدل ارزش و معنا در آکوپیشن^۴ به دست آورده است. ارزیابی بالینی در این نوع کوچینگ با استفاده از یک مطالعه قبل و بعد صورت گرفته است (۱۸).

1 Constraint-Induced Movement Therapy (CIMT)

2 Boylstein & Rittman

3 Redesigning Daily Occupations

4 Value and Meaning in Occupation Model